



قضاوت وکالت ارشد

برنامه هفته دهم
داستان موفقیت من در آزمون وکالت

تتروع برنامه و آزمونها هفتگی
جهت شرکت در آزمون وکالت ۹۸

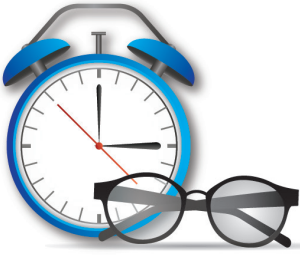
شماره ۱۰

هفته ی چهارم بهمن ۱۳۹۷

www.resana.tv

۰۲۱-۲۸۴۲۹۶

مرکز رشد واحدهای فناوری و کارآفرینی
دانشگاه شهید بهشتی
Shahid Beheshti Incubator



برنامه و آزمونهای هفتگی جهت شرکت در آزمون وکالت ۹۸

برنامه هفته دهم :

الف : مباحث درسی که این هفته باید خوانده شوند

مشاهده ویدئو جلسات حقوق مدنی ۴ - (ویدئو جلسات ۱ تا ۲۹)
فصل اول : ایفای ناروا (مواد ۳۰۱ تا ۳۰۷)
فصل دوم : غصب (مواد ۳۰۸ تا ۳۲۷)
فصل سوم : اتلاف و تسبیب : (مواد ۳۲۸ تا ۳۳۵)
فصل چهارم : استیفاء (مواد ۳۳۶ تا ۳۳۷)
قوانین خاص مرتبط : ۱- قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ۲- قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری اصلاحی سال ۱۳۸۷ ۳- مواد ۴۹۲ الی ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی ۴- رای وحدت رویه شماره ۵۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور رای وحدت رویه شماره ۷۱۷-۶/۲/۱۳۹۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور

ب: مباحثی درسی که این هفته باید مرور شوند (تسلط بر مواد قانون + مباحث درسی)

*** تسلط بر مواد قانون حقوق مدنی ۱ تا ۳ + مباحث درسی
- تسلط بر مواد قانون + مباحث درسی حقوق مدنی ۱ (مواد ۱ تا ۱۸۳ قانون مدنی)
- تسلط بر مواد قانون + مباحث درسی حقوق مدنی ۲ (مواد ۹۵۶ تا ۱۰۳۰ قانون مدنی)
- تسلط بر مواد قانون + مباحث درسی حقوق مدنی ۳ (مواد ۱۸۴ تا ۳۰۰ قانون مدنی)

ج : آزمون درسی این هفته : حقوق مدنی ۱ تا ۴ (روز جمعه ۳ اسفندماه) بر گزار میگردد.

آزمون و کالت



داستان موفقیت من در آزمون و کالت

این برای من مخرب بود برای همین اصلا برنامه ریزی ساعتی و مبحثی نکردم (شاید خیلی از دوستان اینطور برنامه ریزی را نپسندند ولی من می‌پسندم و با آن نتیجه گرفته‌ام)

منتها کسی می‌تواند اینگونه برنامه ریزی کند که در رسیدن به هدف خود مصمم باشد و تنبلی نکند و با خود نگوید من که زیاد وقت دارم امروز هم اگر نخواندم مهم نیست... من اینگونه نبودم و قدر تمام لحظه‌هایم را می‌دانستم و واقعا زمان برای من طلا بود چون کلا ۳ ماه وقت داشتم تا برای آزمون آماده شوم.

بعد از تمام کردن یک درس به سراغ درس بعدی می‌رفتم که این درس اصول فقه بود و بعد از تمام کردن آن یک دور به صورت فشرده درس تجارت را دوره می‌کردم و بعد به سراغ درس جدید می‌رفتم.

درس بعدی **آیین دادرسی مدنی** بود و بعد از تمام کردن آن درس اصول فقه را به صورت فشرده دوره می‌کردم و بعد به سراغ درس جدید می‌رفتم.

درس بعدی **آیین دادرسی کیفری** بود و بعد از تمام کردن آن تجارت و آیین دادرسی مدنی را به صورت فشرده دوره می‌کردم

درس بعدی **جزا** بود و بعد از اتمام آن آیین دادرسی کیفری و اصول فقه را به صورت فشرده دوره می‌کردم

برنامه ریزی من با خیلی از دوستان تفاوت داشت. من عادت ندارم تا یک درس را کاملا نخوانده‌ام و تسلط نسبی پیدا نکرده‌ام به سراغ درس دیگری بروم. این عادت من است .

مثلا برای آزمون و کالت **اولین درسی** که شروع به خواندن آن کردم، تجارت بود و برای خودم بر اساس منابعی که قصد داشتم بخوانم و توانایی اجرای آن را داشتم زمانی مشخص کردم مثلا ۱۰ روز.

بعد در این ۱۰ روز نهایت سعی و تلاشم را می‌کردم که کل منابع را بخوانم (البته من قبل از شروع برنامه چند روز فشرده قوانین مدنی و تجارت و آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری و جزا و بعضی از قوانین خاص را کاملا خواندم و من بعد از آن کاری به برنامه ریزی خودم نداشتم و هر روز ۳ تا از قوانین را دوره می‌کردم یعنی برای هر کدام نیم ساعت وقت می‌گذاشتم و هرچندتا ماده که می‌توانستم را با دقت می‌خواندم که مجموعا روزی ۵/۱ ساعت می‌شد و این برنامه هر روز من بود)

اگر برنامه ریزی ساعتی می‌کردم دچار استرس می‌شدم و تمرکز لازم برای درک کامل مطلب را از دست می‌دادم مثلا به جای اینکه تمرکز کنم تا یک مبحث را خوب بفهمم حواسم به این بود که چقدر زمان دارم تا فلان صفحه تمام شود...

درس بعدی **مدنی** بود که در این زمان من ۲۵ روز تا آزمون وکالت وقت داشتم بنابراین برای این درس ۱۵ روز را در نظر گرفتم و بعد از اتمام آن ۳ روز قوانین خاص را خواندم و بقیه روزها را به دوره‌ی کلیه قوانین و آرای وحدت رویه اختصاص دادم

این برنامه من برای آمادگی در آزمون وکالت در مدت ۳ ماه بود *

شاید خیلیها با این روش موافق نباشند.
اصلا مهم نیست!!!

بلکه این مهم است که شما یک برنامه ریزی کنید که به راحتی و آرامش کامل بتوانید آن را اجرا کنید. پس برای همین است که می‌گویم برنامه ریزی باید شخصی باشد.

چون من معتقدم که اگر یک مطلبی را کاملا بفهمید تا ماهها در خاطرتان می‌ماند حتی اگر دوره هم نکنید یعنی دغدغهی این را نداشتیم که وای اگر دوره نکنم چی، وای اگر یادم رفته باشد چه کار کنم. وای.....

من برای خودم یک اصل کلی داشتم و به آن اعتقاد داشتم و آن هم این بود که فقط تمرکز را در این بگذارم که هر درسی را که برای بار اول خواندم دقیق بخوانم و کاملا یاد بگیرم و اصلا دغدغه دوره کردن آن را نداشته باشم.

برای بعضی درسها وقت دوره کردن داشتم ولی در زمان دوره هم وقت نکردم تمام منابع را دوره کنم بلکه فقط همان منابعی را که فکر می‌کردم اصلی است و بیشتر منبع طرح سوال است را دوره می‌کردم



پس این را از برادر کوچک خود داشته باشید که مهمترین بخش مطالعه همان دور اول است و نهایت تلاشتان را بکنید تا کاملا مطالب را بفهمید

چند نکته مهم

*دوستان عزیز شما در بهترین حالت با روزی ۷ تا ۸ ساعت شروع به مطالعه می کنید و با احتساب ۸ ساعت خواب و یک ساعت هم زمان پرت، مجموعاً ۱۷ ساعت زمان صرف می کنید و ۷ ساعت برای تفریح، میل کردن غذا، خرید، ورزش، تماشای فیلم و... زمان دارید. شما برنامه ریزی می کنید که به تمام کارهایتان برسید نه اینکه از همه چیز محروم شوید

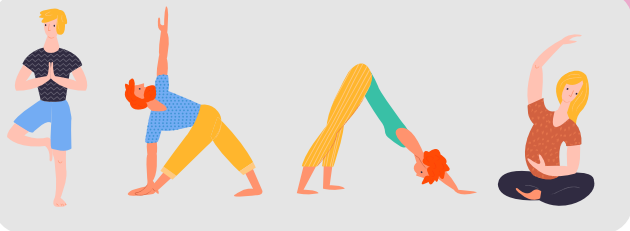
رتبه ۲ کانون البرز آقای سمیع زاده از ساعت ۷ صبح درس می خواند تا ساعت ۱۵ بعد از آن به کارهای دیگرش می رسد، معدل ایشان طوری است که در هر کانون که شرکت کرده بود رتبه تک رقمی می آورد.
(کلا ۴ ماه درس خوانده بود)



مطلب مهم دیگر در رابطه با منابع است. دوستان، من می توانم برای درس مدنی ۱۰ جلد کتاب به شما معرفی کنم که بخوانید. آیا می توانید؟ به فرض مدنی را تمام کردید. آیا می توانید منابع درسهای دیگر را بخوانید؟ خواندن منابع زیاد هنر نیست. بلکه شما باید در ابتدا منابع اصلی را خوب بخوانید و مسلط شوید و بعد اگر زمانی باقی ماند منابع بیشتری را بخوانید. شما به منابعی که من خوانده ام یا آقای حیدری خوانده است نگاه کنید. همه منابع اصلی است. ولی خیلی دقیق خواندیدم (اگر دقیق نخوانید نتیجه نمی گیرید، علت نتیجه نگرفتن خیلی از دوستان نخواندن منابع خاص نیست بلکه همین منابع را خوب نخوانده اند. باور کنید این حرف عین صداقت است که می گویم. من با بیشتر دوستانی که در کانون البرز صحبت می کردم اکثراً همین منابع را خوانده اند ولی یک تفاوت با دیگر عزیزانی که قبول نشدند داشتند و آنهم این بود که به جای اینکه فکرشان این باشد که ای من فلان کتاب را نخوانده ام من فلان... همین منابعی که در نظر گرفته بودند طوری خوانده بودند که کاملاً مسلط شده بودند. فقط همین)



من بعد از هر ۴۵ دقیقه مطالعه ۱۰ دقیقه تا ۱۵ دقیقه استراحت می‌کردم در این ۱۵ دقیقه هم برنامه داشتیم ۵ دقیقه آن را نرمشهای کششی انجام می‌دادم تا گردش خون خوبی داشته باشم و بقیه آن را چیزی می‌خوردم یا چشمه‌هایم را با دستانم می‌پوشاندم تا نوری به چشمم نخورد تا خستگی آن در برود



دوستان عزیز حتما بعد از ۸ تا ۱۰ روز مطالعه مستمر یک روز استراحت کنید و اصلا درس نخوانید باور کنید این کار به قدری برای ادامه برنامه ریزی شما لازم است که قابل وصف نیست.

اگر دقت کرده باشید وقتی که چند روز درس می‌خوانید و آنهم فشرده و با تمرکز بالا در سرتان یک احساس گرفتگی می‌کنید و این یعنی خستگی مغز. پس مغز شما نیاز به استراحت دارد. و مطمئن باشید تأثیر آن خیلی بیشتر از این است که مداوم و بدون استراحت درس بخوانید چون با این استراحت شما انرژی تازه می‌گیرید و با تمام نیرو برنامه‌تان را اجرا می‌کنید.



* یک نکته مهم. می‌دانید رقیب شما چه کسی است؟؟؟؟؟؟؟؟ خودتان! باور کنید رقیب اصلی شما خودتان هستید. شما باید با خودتان مبارزه کنید با زجر کشیدنتان با کمبود خوابتان با به دنبال خیلی از تفریحات نرفتنتان، با تنبلیتان، با بی‌ارده بودنتان..... با اینها باید مبارزه کنید و پیروز شوید

* یک حرفی را من همیشه به خودم می‌زدم و دوست دارم تا در اینجا به شما دوستانم بگویم:

من وقتی خیلی خسته می‌شدم و به قول معروف داشتم کم می‌آوردم (مخصوصاً روزهای آخر که فشرده‌ترین قسمت برنامه بود و روزی ۱۵ ساعت مطالعه داشتم) با خودم می‌گفتم هرکس که به جایی رسیده است زحمت کشیده و زجر کشیده پس من که می‌خواهم به جایی برسم باید زجر بکشم و زحمت بکشم با گفتن این جمله‌ها به خودم واقعا روحیه می‌گرفتم و مصمم‌تر می‌شدم و با آرامش کامل درس‌هایم را می‌خواندم به خدا از زجر کشیدن لذت می‌بردم یادم است یک دفعه بدجور سرما خورده بودم ولی باور کنید با این بی‌حالی تا صبح درس خواندم و خودم از این اراده لذت بردم ۲ روز قبل از آزمون وکالت کلیه درد گرفتم (دوستانی که تجربه کلیه درد را دارند الان می‌دانند که چه دردی را تحمل کردم) ولی با این حال کتاب قانون مدنی دستم بود و راه می‌رفتم و درس می‌خواندم و از درد فریاد می‌کشیدم.



این جمله‌ای که در مورد رمز موفقیت در وبلاگ گذاشتم را باز دوباره در اینجا قرار می‌دهم این وصف حال من بود:

مرد جوانی از سقراط رمز موفقیت را پرسید، سقراط گفت که همراه او به کنار رودخانه بیاید. وقتی به رودخانه رسیدند، هر دو وارد آب شدند به حدی که آب زیر گردن شان رسید. در این لحظه سقراط سر مرد را گرفته و به زیر آب برد. مرد تلاش می‌کرد تا خود را رها کند، اما سقراط قوی‌تر بود و او را تا زمانی که رنگ صورتش کبود شد محکم نگه داشت. وقتی سقراط، مرد جوان را از آب خارج کرد، اولین کاری که او انجام داد، کشیدن یک نفس عمیق بود.

سقراط از او پرسید: در زیر آب تنها چیزی که می‌خواستی چه بود؟

مرد جواب داد: هوا

سقراط گفت: این رمز موفقیت است. اگر همان طور که هوا را می‌خواستی در جستجوی موفقیت هم باشی به دستش خواهی آورد.

رمز دیگری وجود ندارد

منبع: نیما جهانشاهی